



برنامه ریزی فضایی راهبردی منطقه ای مطالعه ی موردی شهرستان طارم

محمد حسن حسینی^{*۱}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی گرایش برنامه ریزی منطقه ای

چکیده

پژوهش حاضر در پی ارائه الگویی از برنامه ریزی فضایی و راهبردی در سطح شهرستان طارم می باشد که در آن ابعاد کمی و کیفی عقب ماندگی منطقه^۱ در سطح زندگی و وضعیت توسعه مورد بررسی قرار گرفته و راه کارهای مناسب برای توسعه و کم کردن فاصله عقب ماندگی آن با شهرستان های دیگر استان و خروج آن از موقعیت بن بست کنونی ارائه گردد همچنین بررسی علل شکل گیری وضعیت کنونی از لحاظ ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و موقعیت این شهرستان از لحاظ ابعاد یاد شده و راه کارهای (راه حل های عملی) برون رفت از وضعیت کنونی و خارج شدن از موقعیت بن بست از دیگر اهداف این پژوهش است. در این راستا این سوالات مطرح می شود: آیا این نوع از برنامه ریزی الگوی مناسبی برای توسعه پایدار این منطقه طارم است؟ مهم ترین اهداف و راهبردها برای توسعه فضایی منطقه طارم کدام است؟ در این مقاله از رویکرد فضایی راهبردی بر اساس روش توصیفی - تحلیلی به ویژه در تحلیل از مدل تحلیل سوات استفاده شده است، که با مطالعه ساختار منطقه به تجزیه و تحلیل منطقه ای پرداخته و در نهایت برنامه توسعه و راهبرد منطقه را ارائه می نماید. به منظور تبیین ساختار فضایی راهبردی منطقه، ضمن بیان وضع موجود و نقاط قوت و ضعف، ساختار منطقه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل واقع شده است. در نهایت با تحلیل سوات راهبردها و برنامه های توسعه منطقه ارائه گردیده است. که راهبردهای تنوع مورد قبول برای توسعه منطقه مورد مطالعه است تعدادی از این راهبردها: لزوم بهره گیری از پتانسیل های کشاورزی و لزوم توسعه صنایع بسته بندی، انبار و سردخانه، توسعه اراضی زراعی در حاشیه قزل اوزن و توسعه باغات در اراضی ملی، ایجاد زیرساخت های لازم برای توسعه فعالیت های صنعتی و معدن، انجام امور زیربنایی توسط بخش خصوصی جهت احداث باغات در اراضی ملی، تولید محصولات ارگانیک و تدوین برنامه های مناسب برای صادرات، بهره گیری از پتانسیل های صنعتی و معدنی، ایجاد شهرک تخصصی صنایع غذایی

کلمات کلیدی: آمایش سرزمین، برنامه ریزی منطقه ای، منطقه، برنامه ریزی فضایی راهبردی منطقه ای، مدل تحلیلی سوات

۱-مقدمه

آمایش سرزمین و برنامه ریزی منطقه ای در عوامل جغرافیا و فضا وجه اشتراک فراوانی باهم دارند. لذا انجام برنامه های منطقه ای مستلزم هماهنگی کامل با برنامه های آمایش سرزمین است. (زیاری، ۱۳۷۸ : ۳۲). اولین عاملی که در یک برنامه ریزی منطقه ای جلب توجه می کند، زمین است. زمین می تواند مستعد کشاورزی باشد و انسان بر آن فعالیت کند یا آنکه دارای ذخایر معدنی باشد. لذا شناخت نوع ((سرزمین)) عامل مهمی در برنامه ریزی منطقه ای است. ایجاد تعادل منطقی بین زمین و نحوه استفاده از آن نخستین گام در پیشبرد توسعه ی منطقه ای می باشد. بنابراین آمایش سرزمین مطرح می شود لزوم گستردگی فضایی و مکان یابی مناسب برای فعالیت های انسانی به صورت یک ضرورت غیر قابل انکار نمود پیدا می کند. مطالعات فضایی در برنامه ریزی آمایش سرزمین، ابزاری است که منطقه را از جهات گوناگون مورد مطالعه قرار می دهد. ذکر این نکته ضروری است که در برنامه ریزی منطقه ای منظور از فضا، حجم مکانی و زمانی مجموعه ای از تمام فعالیت های انسان در طبیعت است که برای حفظ بقای او انجام می شود و لذا فضا، فضایی اقتصادی - اجتماعی است که تمام هستی جوامع انسانی را در بر می گیرد. با این تعاریف منطقه را با نگرش فضایی اینگونه تعریف می کنند که منطقه فضایی با محتوای مشخص با کالبدی هویت یافته می باشد. (زیاری، ۱۳۷۸) در این راستا برنامه ریزی فضایی راهبردی

Email: Ariffirtina@yahoo.com

*نویسنده:

²-Region